

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۲۱ دسمبر ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

قایق

مردمک های چشمانم چون قایق های سرگردان با امواج طوفانی اشک در جدال اند، تا
راه لنگرگاه آرامش را بی منت دیدارت دریابند.

بامگاه

با امواج طوفانگر اندیشه ها بامگاه را آغاز می کنم.
بامگاهی، که مرا از طناب شب رهانید و نگذاشت نفس هایم همت دواش را ببازند.
آه! صدای گام ساعت تا فرجامین لحظه های شب مانند سُم سهمگین اسپ مغزم را از هم
می پاشید.

حس می کنم قلبم را پنجه های بیرحم درد می فشارد؛
حس می کنم ارزش های پرفیض عواطفم در تالاب های بی باوری گم می شود.
– حس می کنم روی راهروها گرد و خاکی هستم، که با هر گامی، باربار بر وجودم
خاک بیشتر انبار می شود. درد سوزناکی آزارم می دهد، و نیروی سرودن را از من
سلب می سازد.

آه! کسی، که یک روز مرا کُشته بود، هرگز نخواسته بودم هنگامه تلخ به ابدیت پیوستنش
را بشنوم!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده)